

بن‌مایه‌های شهادت در اشعار علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله (با تکیه بر شهیدان اندیشمند و رهبران دینی و فکری)

حسین مهتدی^{۱*}، رسول بلاوی^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس - بوشهر

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس - بوشهر

mohtadi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۰۶

چکیده

از شاعران معاصر و مراجع تقلید عالم تشیع علامه محمدحسین فضل‌الله در دیوان خود اشعاری با مضامین دینی و اجتماعی درباره شهید و شهادت و تأثیرگذاری آن بر جامعه سروده است. نگارندگان در این مقاله در پی آن هستند تا مشخص کنند کدام دسته از شهیدان و با چه ویژگی‌هایی توجه شاعر را بیشتر به خود جلب کرده‌است؟ آنچه اشعار علامه فضل‌الله را در مورد شهید و شهادت از دیگر شاعران متمایز کرده و بر اهمیت تحقیق در این زمینه می‌افزاید، این است که بیشتر اشعار او در این مورد، مربوط به شهدای رهبران دینی و فکری روزگار او از جمله شهید محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی صدر و چند تن از رهبران حزب الدعوة الإسلامية بوده‌است که غالباً این شهیدان با افکار و اندیشه‌های خود تأثیر زیادی در جریان‌سازی و روشنگری مردم برای مبارزه با استبداد داشتند. از آنجاکه شاعر نیمی از عمر خود را در عراق سپری کرده‌است بیشتر اشعار او در مورد شهیدان اندیشمند و رهبران دینی و فکری عراق است؛ همچنین در مواردی نیز از شهیدان لبنان، فلسطین و ایران سخن گفته‌است، و دیدگاه او درباره شهید برگرفته از آیات قرآن و فرهنگ عاشورا است. نگارندگان در این مقاله با تکیه بر دیوان «قصائد للإسلام و الحیة» و با روش سبک‌شناسی به توصیف و تحلیل اشعاری می‌پردازند که علامه در این باره سروده‌است.

کلیدواژه‌ها: مقاومت؛ علامه فضل‌الله؛ شهید؛ شهادت؛ رهبران دینی.

۱. مقدمه

در میان ادیبان معاصر عربی شاعرانی هستند که درباره‌ی شهید و شهادت در اشعار خود سخن گفته‌اند از این شاعران می‌توان به ابراهیم طوقان، سمیح القاسم، نازک الملائکه، محمود درویش، احمد دحبور، معین بسیسو و علامه محمدحسین فضل‌الله اشاره کرد. علامه فضل‌الله بر این باور است که «شعر باید بیانگر مسائل روزگار باشد. ما به شعری که بر روی کاغذ نوشته می‌شود ایمان نداریم. شعر اگر نیازهای جامعه اعم از هنری، نوآوری، فکری و سیاسی را بیان نکند چیزی بی‌مضمون خواهد بود، زیرا اگر شعر از مضمون زندگی فاصله گیرد به چیزی بی‌معنی تبدیل می‌شود» (فضل‌الله، ۱۹۹۰: ۱۱ و ۱۲). او از مقاومت اسلامی لبنان حمایت می‌کند و «آن را سلاحی می‌داند که برای دفاع از لبنان در برابر رژیم اشغالگر صهیونیستی به کار می‌رود و معتقد است که مقاومت اسلامی هرگز از آن برای درگیری‌های حزبی و طایفه‌ای در درون لبنان استفاده نمی‌کند» (فضل‌الله [و]، ۲۰۰۶م: ۹۲). یکی از ویژگی‌های شعر علامه فضل‌الله در مرثیه‌های او نمودار می‌شود، زیرا این مرثیه‌ها را از کلام عادی که برای گریه و زاری بر مرده است خارج می‌کند و از میان اشعار خود برای نشر مبانی اسلام و بیداری اسلامی استفاده می‌کند. او با استفاده از این مرثیه‌ها مردم را به قیام علیه ظلم و ستم دعوت می‌کند، زیرا به دلیل زندگی در محیط خفقان‌آور نجف، ظلم و ستم بعثی‌ها را خود از عمق جان احساس می‌کند. علامه در مرثیه‌هایی که برای شهیدان سروده‌است از شهید و خون او سخن می‌گوید و بیان می‌کند که خون شهید احیاگر است. شهیدان برای همیشه زنده‌اند و همچون مشعلی هستند که راه را برای نسل‌های آینده روشن می‌کنند. اشعاری که علامه فضل‌الله درباره خون و شهادت سروده‌است شعرهایی است که برای رهبران و متفکران دینی معاصر خود سروده‌است. او با بیان ویژگی‌های این شهیدان و تأثیر خون آنها بر جامعه، روزگار خود را با زمان امام حسین (ع) پیوند می‌زند و ظالمان و ستمگران روزگار خود را همان یزیدیان زمان و شهیدان را ادامه‌دهندگان راه امام حسین می‌داند.

علامه فضل‌الله نیمی از عمر خود را در عراق و به طور مشخص در شهرهای نجف و کربلا و در زیر ظلم و استبداد رژیم بعث عراق سپری کرد. در زمان او افراد زیادی به دست رژیم

بعث به شهادت رسیدند؛ افرادی همچون شهید محمدباقر صدر^۱ و خواهرش آمنه بنت‌الهدی، و رهبران فکری حزب الدعوة الإسلامية^۲ عراق که باعث بیداری ملت عراق شدند. او در کنار شهید محمدباقر صدر از رهبران فکری حزب الدعوة الإسلامية به حساب می‌آمد. به همین خاطر رهبران فکری و دینی روزگار او که به شهادت رسیده‌اند همواره جایگاه ویژه‌ای در اشعار او دارند؛ به طوری که بیشتر اشعار شاعر در باب شهید و شهادت به همین دسته اختصاص یافته‌است. همچنین علامه فضل‌الله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به خاطر علاقه ایشان به امام خمینی (ره) و آشنایی با اندیشه‌های اسلامی و انقلابی ایشان و همچنین زیارت مرقد امام رضاع) در سفرهای خود به ایران بر سر مزار شهیدان در بهشت زهرا و شهیدان بهشت رضای مشهد حضور می‌یافت و یاد شهیدانی را که برای دفاع از وطن خود و اسلام در برابر رژیم بعث عراق جان خود را فدا کردند، گرامی می‌داشت (فضل‌الله، ۲۰۰۱م: ۳۷۱ و ۳۷۷). همچنین یاد شهیدان فلسطین همواره در خاطره شاعر وجود داشته‌است. علامه فضل‌الله از آنجاکه در حوزه علمیه نجف تحصیل کرده بود و با اندیشه‌های اسلام ناب آشنایی داشت، افکارش درباره شهید و شهادت تحت تأثیر قرآن و مکتب اهل بیت بوده‌است. او از جمله شاعرانی است که با شعر رسایش شهید را می‌ستاید و از زبان آنان سخن می‌گوید و ویژگی‌هایشان را برمی‌شمارد. آنچه علامه فضل‌الله در قالب شعر درباره شهید و شهادت سروده‌اند مربوط به دیوان قصائد للإسلام و الحیاة است، شاعر در این دیوان در قصاید مختلف درباره شهید و شهادت سخن گفته‌است. به همین دلیل قصایدی که بررسی شد عبارتند از: ۱. لأتک قوة لأتک ثورة؛ ۲. کربلاء فی بغداد؛ ۳. اسطورة فلسطین؛ ۴. یا بلادی؛ ۵. شهید بتکلم؛ ۶. یا جنان الزهراء؛ ۷. یا جنان الرضا.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

در این مقاله در پی آن هستیم تا تجلی مفهوم شهید و شهادت را در اشعار علامه فضل‌الله بررسی کنیم. سؤالاتی که در این مقاله به آنها پاسخ خواهیم داد عبارتند از: ۱. چه میزان از اشعار علامه فضل‌الله درباره شهید و شهادت است؟ ۲. کدام دسته از شهیدان حجم بیشتری از اشعار علامه را به خود اختصاص داده‌اند؟ و این گروه از شهیدان در اشعار شاعر چه ویژگی‌هایی دارند؟ ۳. از دیدگاه شاعر چه رابطه‌ای میان شهیدان روزگار او با شهیدان عاشورای امام حسین (ع) وجود دارد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که درباره شهید و شهادت نوشته شده می‌توان به این موارد اشاره کرد: کیانی، حسین؛ سید فضل‌الله میرقادری (۱۳۸۸)، «شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان شاعر مقاومت فلسطین»، نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱؛ رستم‌پور، رقیه؛ فاطمه شیرزاد، (۱۳۹۱)، «صورة الشهيد في شعر احمد دحبور و معين بسيسو»، فصلنامه لسان مبین، شماره ۱۰؛ مقدم متقی، امیر (۱۴۳۲ق)، «الشهيد و الشهادة في الشعر العربي المعاصر»، مجله آفاق الحضارة الاسلامية، شماره ۱.

درباره اشعار علامه فضل‌الله به زبان فارسی تاکنون هیچ کتاب یا مقاله‌ای چاپ نشده‌است ولی در زبان عربی به تازگی چند اثر درباره اشعار علامه چاپ شده که عبارتند از: ابوصالح، اسماعیل خلیل، (۲۰۰۳م)، السيد محمدحسين فضل‌الله شاعراً، بیروت: دار الملاك، ط ۱؛ مهدی، علی رفعت، (۲۰۰۶م)، الاتجاه الروحي في شعر السيد محمدحسين فضل‌الله، دار الملاك، بیروت، ط ۱. در هیچ‌کدام از این دو کتاب درباره شهید و شهادت در نگاه علامه فضل‌الله سخن گفته نشده‌است. آنچه در این مقاله می‌آید نگاهی نو به اشعار اوست و سعی می‌شود از این رهگذر دیدگاه‌های یک شاعر بزرگ شیعی نسبت به مفهوم شهید و شهادت بررسی شود.

روش انجام پژوهش

در این مقاله با روش سبک‌شناسی به توصیف و تحلیل مفهوم شهید و شهادت در اشعار علامه فضل‌الله پرداخته می‌شود. در ابتدا نگاهی گذرا به زندگی‌نامه علامه فضل‌الله خواهیم داشت، سپس به تحلیل اشعار او می‌پردازیم.

۲. زندگی‌نامه

سید محمدحسین فضل‌الله فرزند سید عبدالرئوف، متولد سال ۱۳۵۴ق برابر با ۱۹۳۵م در نجف اشرف است (خاقانی، ۱۹۵۶م: ۳۰۶/۸، امینی، ۱۹۶۴م: ۹۴۳/۲). نسب او به امام حسن مجتبی می‌رسد (مهدی، ۲۰۰۴م: ۳۳، سرور، ۱۹۹۲م: ۱۹). خانواده او تأثیر بسیار زیادی بر زندگی و شعر او داشته‌است. خواندن و نوشتن را در مکتب‌خانه‌ای در کنار حرم امام علی (ع) در نجف آموخت،

بن‌مایه‌های شهادت در اشعار علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله حسین مهدی، رسول بلاوی

ولی بعد از اینکه مدارس دینی به سبک امروزی از طرف انجمن «منتدی النشر» تأسیس شد به آنجا پیوست (فضل‌الله [م]، ۲۰۰۶م: ۳۶). در سال ۱۳۸۰ق «جماعة العلماء» در نجف مجله فرهنگی اسلامی «الأضواء» را منتشر کرد که شهید محمدباقر صدر در سال اول سرمقاله‌های آن را با نام «رسالتنا» و علامه فضل‌الله در سال دوم این مجله سرمقاله‌های آن را با عنوان «کلمتنا» می‌نوشت (سرور، ۲۰۰۴م: ۴۹؛ ابوصالح، ۲۰۰۳م: ۶۱). در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۰م با همکاری سید مهدی حکیم مجله «الأدب» را منتشر کرد و برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲م، در هفده‌سالگی به همراه پدرش به قصد دیدار اقوام و خویشان خود به موطن خود لبنان رفت (فضل‌الله [م]، ۲۰۰۶م: ۳۸)، و بالاخره در سال ۱۹۶۶م، نجف را به قصد اقامت دائم به سوی لبنان ترک کرد و در منطقه «رأس النبعة» در جنوب بیروت رحل اقامت افکند (ابوصالح، ۲۰۰۳م: ۲۹) و در ۴ ژوئیه سال ۲۰۱۰م درگذشت. او شعر گفتن را در ده‌سالگی با حضور در محافل شعر و ادب در نجف آغاز کرد (مهدی، ۲۰۰۴م: ۳۸).

از علامه فضل‌الله بیش از هفتادوسه اثر تاکنون منتشر شده‌است. این آثار را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

۱. پژوهش‌های قرآنی: که مهم‌ترین آنها تفسیر «من وحی القرآن» در بیست‌وپنج جلد

است؛

۲. کتب فقهی: المسائل الفقهية...؛

۳. در زمینه اندیشه اسلامی: خطوات علی طریق الإسلام؛

۴. شعر: از علامه فضل‌الله تاکنون چهار دیوان شعر منتشر شده‌است که عبارتند از: یا ظلال

الإسلام، قصائد للإسلام و الحياة، علی شاطئ الوجدان، فی دروب السبعین.

۳. مفهوم شهید و شهادت

دو واژه شهید و شهادت در فرهنگ لغت معانی مختلفی دارد. با مراجعه به فرهنگ لغت لسان

العرب به مهم‌ترین معانی این دو واژه اشاره می‌شود:

شهادت: ۱. گواهی دادن؛ ۲. سوگند دادن؛ ۳. خبر قاطع دادن؛ ۴. علم داشتن به چیزی؛ ۵.

معاینه (ابن منظور، بی‌تا، ذیل ماده شهید).

شهادت از نظر اصطلاحی نیز دارای معانی مختلفی است: ۱. شهادت به وحدانیت خداوند

و حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین پیامبر خدا؛ ۲. شهادت به مفهوم کشته شدن در راه

خدا در تفسیر مجمع البیان در این باره چنین آمده است: «از عیاشی به استناد به منهال قصاب روایت شده است: قلتُ لأبي عبد الله الصادق (ع): ادع الله أن يرزقني الشهادة فقال إن المؤمن شهيد (طبرسی، بی تا، ۳۵۹/۹).

شهید: ۱. شاهد؛ در حدیث از امام علی (ع) آمده است: و شهیدکَ يوم الدين أي شاهدک علی الناس يوم القيامة (ابن ابی الحدید، ۱۳۷/۱۹)؛ ۲. پیامبر؛ و نزعنا من کل أمة شهیداً (قصص، ۷۵)؛ أي اختَرنا منها نبیاً، و کلُّ نبی شهیدٌ أمته (ابن منظور، بی تا، ذیل ماده شهید)؛ ۳. کشته در راه خدا؛ جمع آن شهدا است و ابن انباری گفته است: «سُمي الشهيد شهيداً لأنَّ الله و ملائکته شهدوا له بالجنة» (همان). ولی آنچه در این مقاله به آن پرداخته می شود مفهوم شهید به معنای کسی است که در راه خدا کشته شده است، ولی او زنده و در نزد پروردگارش روزی داده می شود «و لَاتَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَاتَشْعُرُونَ» (بقره، ۱۵۴)، «و لَاتَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْوَدُونَ» (آل عمران، ۱۶۹).

۴. ویژگی های شهید از دیدگاه علامه محمدحسین فضل الله

از مهم ترین ویژگی های شهید در اشعار علامه فضل الله می توان به این موارد اشاره کرد: نماد مقاومت و ظلم ستیزی؛ روشن کننده راه و آینده؛ احیاگر روح امیدواری؛ شهید، عاشورا و ماندگاری؛ نماد بیداری و وحدت؛ عشق به وطن. حال به تفصیل به بررسی آنها می پردازیم:

۴-۱. نماد مقاومت و ظلم ستیزی

یکی از شهیدان معاصر علامه فضل الله، شهید محمدباقر صدر^۱ و خواهرش آمنه بنت الهدی صدر است که به دنبال پیروزی نهضت اسلامی در ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، رژیم بعثی عراق فشارهای خود را بر ایشان بیشتر کرد، اما شهید صدر با اعلام تبعیت از امام خمینی (ره) در برابر همه سختی ها مقاومت کردند. مردم عراق به منظور اعلام همبستگی با ایشان به سوی نجف حرکت کردند اما رژیم بعثی که از این قیام به وحشت افتاده بود این دو شهید بزرگوار را در سال ۱۳۵۹ در زیر شدیدترین شکنجه ها به شهادت رساند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شهید آیت الله محمدباقر صدر و خواهرش آمنه بنت الهدی صدر). علامه فضل الله قصیده ای با عنوان «لَأَنَّكَ قُوَّةٌ لِأَنَّكَ نَوْزَةٌ» در رثای شهید محمدباقر صدر و خواهرش آمنه بنت الهدی سروده است. شاعر در

بن‌مایه‌های شهادت در اشعار علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله حسین مهتدی، رسول بلاوی

این قصیده به قدرت و توان خون شهید اشاره می‌کند. شهید با شهادتش اندیشه و فکری نو در جامعه می‌سازد و مردم را به جهاد در راه خدا فرا می‌خواند. علامه فضل‌الله در رثای شهید محمدباقر صدر او را رمز قدرت و شکست‌ناپذیری می‌داند که با شهادتش روح ظلم‌ستیزی را در مردم تقویت می‌کند:

«لَأَنَّكَ قُوَّةٌ / لَأَنَّكَ قُوَّةٌ فِكْرٌ كَبِيرٌ / تَعِيشُ وَ تَزْرَعُ فِي الْأَرْضِ قُوَّةً / وَ تَحْمِلُ لِلْغَدِ قُوَّةً / وَ تُوحِي لَنَا فِي كُلِّ غَايَةٍ /
عَنِ اللَّهِ عَنِ وَجْهِهِ عَنِ جِهَادٍ يُحْطَمُ فِينَا طَرِيقَ الْغَوَايَةِ / لَتُوحِي لَنَا فِي انْتِطَاقِ الْجِهَادِ / هُنَا... أَنْ تَنْوَرَ / لِيَبْقَى لَنَا أَنْ
نُؤَدَّ الْجَسُورَ / إِلَى اللَّهِ فِي صَبِيحَةِ حُرَّةٍ» (فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۹).

«بدون شک تو توانمند هستی / مطمئناً تو دارای فکری برتر و قوی هستی / در زمین مقتدرانه زندگی می‌کنی و روح شجاعت و توانمندی را در زمین کشت می‌کنی / و برای آینده نیز قدرت و برتری را با خود حمل می‌کنی / و با تمام وجود به ما اشاره می‌کنی از خدا و از وحی او از جهادی که راه‌های گمراهی را ویران می‌کند / تا به ما اشاره کنی که در آغاز راه جهاد هستیم / اینجا... انقلاب و قیام کنیم / تا بتوانیم پل پیروزی را به سوی خدا با فریادی آزاد بگسترانیم.»

شاعر در این ابیات بیان می‌کند که شهید نیرو و قدرتی دارد که مربوط به زمان و مکان خاصی نیست؛ شهید منادی جهاد و مبارزه‌طلبی است و ارتباط ناگسستنی‌ای با خدا دارد. او در مسیر الهی قدم برمی‌دارد، چراکه هدف او نیز از جهاد رسیدن به خداست. «علامه فضل‌الله هرگز جهاد را به معنی ترور نمی‌گرفت و معتقد بود جهاد یعنی رویارویی مسلمانان با چالش‌ها و تهدیداتی که کافران، مستکبران، منافقان و ستمگران برای جامعه اسلامی ایجاد می‌کنند و حرکت جهادی برای محافظت از سرزمین اسلامی و دین اسلام و مستضعفین است» (غسان، ۲۰۰۱: ۲۸). در مثال یادشده، شاعر، شهید را با این الفاظ مورد خطاب قرار داده است: «لَأَنَّكَ، «تعیش»، «تزرع»، «تحمل»، «توحی». از آنجاکه شاعر تحت تأثیر مفاهیم و دیدگاه‌های اسلام ناب قرار دارد، شهید را زنده می‌داند و از او نمادی از مقاومت، پایداری و ایستادگی در برابر ظلم حاکمان می‌سازد. همچنین شاعر برای تأکید سخن خود، از صنعت تکرار استفاده و واژه «قوة» را بیش از چهار بار تکرار کرده است که این تکرار بر اهمیت نقش پایداری و استقامت شهید از نگاه شاعر تأکید می‌کند.

در این شعر دو فعل «تعیش و تزرع» به صورت مضارع آمده‌است که این خود دلالت بر استمرار می‌کند و اینکه شهید همیشه زنده است و نیرو و قدرت او نیز برای همیشه بر روی زمین احساس می‌شود: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹).

شاعر در ادامه رثای شهید محمدباقر صدر بیان می‌کند که خون شهید ویران‌کننده پایه‌های ظلم و ستم است. شهید با خونس ظالمان را می‌ترساند و به حق و حقیقت قدرت و توان می‌دهد:

«و توحی لنا أن سیر الشهید/ یحطّم للظلم أرفع قِمة/ لأنک قِوة/ تُخیف... تُهدّد... وحش الظلام/ و تخیا لیتبع روح السلام/ و تبعث بالفکر للحق قِوة» (همان: ۱۴۶ و ۱۴۷).

«و به ما وحی می‌کنی که راز شهید/ بلندترین قله‌های ظلم را ویران می‌کند/ چراکه تو قوی و توانمند هستی/ می‌ترسانی... ترسناکی تاریکی را تهدید می‌کنی/ و زنده باقی می‌مانی تا روح آرامش را برانگیزی/ و با اندیشه‌ات به راه حق قدرت و نیرو می‌دهی».

شاعر با اسناد فعل «یحطّم» به «سیر الشهید» و آوردن «تُخیف و تُهدّد» بیان می‌کند که شهید بعد از شهادتش نیز توان ترساندن ظالمان را دارد. همچنین «الظلام» از معنای اصلی خود خارج شده و در اینجا به معنای تاریکی استبداد و ظلم و ستم در روزگار شهید صدر است. اضافه شدن «وحش» به «الظلام» بر شدت خفقان و استبداد روزگار شهید دلالت می‌کند و عبارت «یحطّم للظلم» به «الظلام» بیانگر این است که راز ماندگاری شهید، در ویرانی قله‌های خیالی ظلم و ستم است. شهید که نماد مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم است، با قدرت الهی خود، آثار وحشت استبداد را در هم می‌کوبد. عبارت «تُخیا لیتبع روح السلام» بیانگر این است که: شهادت شهید، زندگی دوباره‌ای است که صلح و دوستی و آسایش ملت را به ارمغان می‌آورد و بی‌شک در این شعر، لفظ «تُخیا»، برگرفته از آیه شریفه «بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹) است.

علامه فضل‌الله با اشاره به استقامت و ظلم‌ناپذیری شهید محمدباقر صدر بیان می‌کند که

شهید هیچ‌وقت در برابر ظالم سر تسلیم فرود نمی‌آورد و از آرمان‌هایش دست نمی‌کشد:

«لأنک قِوة/ لأنک ثورة/ أراووک أن تُنخنی للریاح/ و أن تُسلم الحق فی کلّ ساع/ و أن تُسکت الصیحة الهادئة/ و تستسلم القوة الصابرة/ و أن تتمنی علیهم سلاماً/ ذلیلاً لدى الطعنة الفاجرة/ لیتقی همّ محذهم شایخاً/ علی رجم أمتینا القادرة/ و لکن روحاً تُثیر الدرّی/ و تدفع للشمس آفاقها/ آثارث علی حطوات الطریق/

«بدون شک تو قدرتمند هستی / تو مایه قیام و انقلاب هستی / از تو خواستند تا در برابر بادها خم شوی / و در هر میدانی حق و حقیقت را رها کنی / و فریاد خروشان [ملت] را خاموش کنی / و تسلیم قدرت بردباری شوی / و صلح همراه با ذلت در برابر گروه جنایت‌کار را برایشان [مردم] آرزو کنی / تا مجد و عظمت برای آنها [ظالمان] باقی بماند / با وجود اینکه امت ما تواناست / ولی روحی به سوی قله‌های بزرگی برمی‌انگیزاند و تحریک می‌کند / و آفت‌ها را از خورشید دور می‌کند / و اشتیاقش را بر گام‌های این راه و بر اسم شهادت بیان می‌کند».

در عبارت «لَأَنَّكَ قَوَّةٌ لَأَنَّكَ ثَوْرَةٌ»، شاعر بار دیگر بر قدرت و توان شهید تأکید و بیان می‌کند که شهید می‌تواند یک جامعه را متحول و دگرگون سازد. گرچه شاعر در افعال «أرادوك أن تنحني»، «أن تسلّم»، «أن تسكت» و... در ظاهر شهید را مورد خطاب قرار داده، ولی در واقع شهیدی همچون محمدباقر صدر از قصد و نیت‌های پلید ظالمان به‌خوبی آگاه است، و این خطاب می‌تواند برای کسانی باشد که می‌خواهند راه او را ادامه دهند؛ در واقع شاعر با مورد خطاب قراردادن شهید و بیان مقاصد شوم ستمگران، می‌خواهد مردم را بیدار کند، و آنها را با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های این شهید بزرگ آشنا سازد. در اینجا «الرياح» نماد انحراف و ظلم است؛ همچنین «شمس» استعاره از مردم و ملت مظلوم عراق است که همچون خورشید پاک هستند و «آفات» نیز استعاره از ظالمان و ستمگران روزگارش بوده که در واقع ناپاکان آن روزگار بوده‌اند. آنچه نبودکننده همه این ناپاکی‌هاست چیزی جز روحیه شهادت‌طلبی نیست که شاعر به‌زیبایی به آن اشاره کرده‌است.

راز آزادی ملت در خون شهیدان است و راه شهیدان با قدرت ادامه دارد: «لَأَنَّكَ قَوَّةٌ / لَأَنَّكَ

سِرٌّ انْطِلاقٌ أُمَّةً» (همان، ۱۵۱).

«تو [شهید صدر] توانا هستی / زیرا تو راز آزادی امتی».

شاعر در این عبارت بیان می‌کند که قدرت و توان شهید، نقطه حرکت ملت است؛ در اینجا لفظ «أمة» را به شکل نکره آورده، تا نقش شهید را عام و فراگیر سازد و آن را در گرو ملت خاصی قرار ندهد. این شهید می‌تواند درس عبرت و نقطه حرکتی باشد برای هر امتی که می‌خواهد در برابر ظلم و ستم مقاومت کند.

در نگاه علامه فضل‌الله شهید محصور به کشور خودش و کشورهای عربی نیست، بلکه تمام کشورهای اسلامی را در بر می‌گیرد. او در زیارت از بهشت زهرا در تهران در توصیف شهیدان می‌گوید که شهیدان با خون خود تخت و تاج ظالمان را واژگون کردند:

«یا جنان الزهراء هل يَنْبُثُ الدَّمُ اخضراراً مُؤزِّداً في الشهادة/ يَهْرُ العروشَ حتَّى يَجِرَّ النَّجْجُ من عرشه و يُلقِي قيادَةَ» (همان، ۳۷۱).

«ای بهشت‌های زهرا، آیا خونی سبزتر و سرخ‌تر در شهادت می‌روید/ تخت‌ها را به لرزه درمی‌آورد تا اینکه تاج پادشاهان به زمین کشیده می‌شود و رهبرانش را به زمین می‌زند». شاعر معتقد است که رسالت شهیدان در تمام کشورها یکی است و آن واژگون کردن تخت و تاج ظالمان است؛ شهید از هر کشوری که باشد با خون خود عرش ظالمان را متزلزل می‌کند و رهبران جور و ستم را به زباله‌دان تاریخ می‌اندازد. در جای دیگر بیان می‌کند که شهیدان برای برپایی عدالت و از بین بردن سرکشان قیام کرده‌اند:

«إِثْمَارُ نَارٍ لِلْعَدَالَةِ وَ الْحَقِّ... لِیُرْدِيَ الطُّغَاةَ وَ الْأَشْرَارَ» (همان، ۲۲۵).

«برای عدالت و حقیقت و برای نابودی سرکشان و انسان‌های بد قیام کرد».

علامه فضل‌الله در قصیده «شهید بتکلم» می‌گوید: خون شهید باعث شعله‌ور شدن آتش انتقام و جهاد علیه ظالمان می‌شود. شهید در قبر ولی در انتظار قیام مردم است:

«وَحَدِيدِي أَنَا... فِي الْقَبْرِ فِي سَكَنِ الْأَحْرَارِ... أَرْقُبُ نُورَةَ الْعِلْمِ/ وَحَدِيدِي أَنَا، لَكِنِّي ضَرَمْتُ بِدَمِ الطُّغَاةِ يَتَوَرَّ بِالْحِمَمِ/ وَ صَوَاعِقُ حَمْرَاءُ تَحْرُقُهُمْ بِلَهَيْبِ نَارٍ سُمِّرَتْ بِدَمِي/ وَ قَدَدِي بِأَعْيُنِهِمْ يُدَكِّرُهُمُ عُقْبِي الْمَصِيرِ وَ ثَوْرَةَ الْأُمِّ» (همان، ۲۳۸).

«در قبر و در خانه آزادگان، من تنها هستم و به انقلاب و شورش این پرچم می‌نگرم/ من تنها هستم ولی همچون آتشی هستم که با خون سرکشان شعله‌ور می‌شود و با گرما به جوش می‌آید/ صاعقه‌های سرخ با شعله آتشی که به وسیله خون من برافروخته شده‌است آنها را خواهد سوزاند/ و همچون خاری در چشمشان است که مکافات سرنوشت و انقلاب درد و رنج را به آنها یادآوری می‌کند».

در بیت نخست شاعر بیان می‌کند که رسالت شهید حتی بعد از شهادتش نیز، به اتمام نمی‌رسد و در انتظار قیام مردم و برافراشته شدن پرچم این انقلاب است. ایشان برای قوت

قلب دادن به مبارزان و تشویق آنها به شهادت، قبر را منزلگاه آزادگان (سکن الأحرار) می‌نامد. در بیت دوم و سوم شاعر می‌گوید: خون شهید آسایش ظالمان را ربوده، و صاعقه‌های سرخی همچون آتش برافروخته را، بر آنها نازل کرده‌است. در این بیت «صواعق حمراء»، بر مبارزان و انقلابیان دلالت دارد که همچون صاعقه‌های سهمگینی بر سر ستمگران فرود می‌آید و خواب راحت را از چشمان آنها گرفته‌است. این صاعقه‌های سرخ از خون شهیدان برافروخته شده‌اند. همچنین رنگ قرمز (حمراء) در اینجا نیز دلالت بر خون و انقلاب دارد.

از نظر علامه، جامعه امروز ما نیاز به این دارد که روحیه شهادت‌طلبی و عشق به شهادت را در فرزندان خود احیا کند؛ چراکه شهادت سلاحی است برای مقاومت در برابر دشمنان، و این چیزی است که امروز فلسطینیان در برابر صهیونیست‌ها از خود نشان می‌دهند (ابوصالح، ۲۰۰۳: ۱۲۸).

علامه فضل‌الله در مورد شهدای مقاومت اسلامی نیز چنین می‌گوید: شهدا با خون خود به جهاد، معنای اسلامی و عبادی دادند و به همین خاطر او با اصطلاح «مقاومت اسلامی» موافق بود و در پاسخ کسانی که می‌گفتند چرا به جای اصطلاح «مقاومت اسلامی» از اصطلاح دیگری استفاده نمی‌کنید، می‌گفت: ما نمی‌خواهیم مقاومت را داخل در مسئله طایفه‌ای و قبیله‌ای کنیم. می‌خواهیم مقاومت معنای اسلامی داشته باشد تا از خلال آن اندیشه اسلامی که همان راهی به سوی خدا و پیوستن به اوست، فهمیده شود. مقاومت اسلامی یک مسئولیت بزرگ بر عهده دارد و آن آزادی سرزمین و انسان از چنگال رژیم اشغالگر صهیونیستی است (فضل‌الله، ۱۹۸۵).

۲-۴. روشن‌کننده راه و آینده

رهبر فکری و دینی با شهادتش مسیر آینده را برای ما و جوانانمان روشن می‌کند، راه را از بیراهه نشان می‌دهد، راهی جدید در پیش روی انسان باز می‌کند و آینده‌ای بهتر از گذشته را نوید می‌دهد. او درباره شهید صدر چنین می‌گوید:

«تَحَرَّكْتُ فِي الْفِكْرِ دَرَباً جَدِيداً/ وَ تَزَرَّعْتُ فِي الرُّوحِ عَشْباً جَدِيداً/ وَ تَصَنَعْتُ فِي السَّيْرِ خَطْواً جَدِيداً/ وَ تُوحِي لَنَا فِي كُلِّ غَايَةٍ/ مَعَانِي تُوْحِي تَثْبِيرُ الْحِكَايَةِ/ عَنِ اللَّهِ عَنِ وَحْيِهِ عَنِ جِهَادِ جُحُطِّمْ فِينَا طَرِيقَ الْغَوَايَةِ/ تَعَالَوْا إِلَيَّ/ إِلَى الْفِكْرِ يَا عَضْبَةَ الْجَاهِلِينَ/ إِلَى اللَّهِ يَا جَمَعَ الْجَادِدِينَ/ إِلَى الْفَجْرِ يَا فِرْقَةَ الضَّائِعِينَ/ وَ تَصَنَعُ لِلْعَدِ أَعْظَمَ أُمَّةً» (فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۶).

«در اندیشه، راه جدیدی آغاز می‌کنی / در جان و روح، گیاه جدیدی کشت می‌کنی / و در مسیر حرکت گام جدیدی می‌سازی / و با تمام وجود به ما معانی‌ای را القا می‌کنی که داستانی از خدا و از وحی او و از جهادی که راه‌های گمراهی را ویران می‌کند، بیان می‌کنی / به سوی من بیایید! / به سوی اندیشه، ای گروه نادانان! / به سوی خدا ای گروه انکارکنندگان! / به سوی سپیده‌دم ای گروه گمشدگان! / برای فردا بزرگ‌ترین امت را می‌سازی».

شاعر عبارات خود را با فعل «تَحْرُكُ» شروع کرده تا بر پویایی و استمرار نقش شهید دلالت کند. شهید با خون خود، راه جدیدی را در اندیشه‌ها آغاز می‌کند، و گیاه جدیدی را در جان‌ها می‌کارد، و گام جدیدی را در مسیر برمی‌دارد که این دستاوردهای جدید می‌توانند راه و مسیر آینده ملت را به‌خوبی روشن کنند و با حرکتی جدید و نو، به سوی آینده‌ای بهتر در حرکت باشند. همچنین فعل‌های مضارع به‌کاررفته در این اشعار همگی دلالت بر استمرار دارد؛ یعنی اینکه افکار شهید و اعمالش همچنان ادامه دارد. شهید فکر جدید و راه جدید را به مردمان خود نشان می‌دهد که باعث بیداری مردم از گمراهی می‌شود. عبارت «و تَزْرَعُ فِي الرُّوحِ عَشْبًا جَدِيدًا» بیان می‌کند که شهید همچون کشاورزی است که درختان و گیاهانی را می‌کارد. این درختان و گیاهان هرکدام محصولی دارد. شهید هم با شهادتش راه جدیدی به سوی خدا برای ما باز می‌کند که این راه روشن‌کننده مسیر آینده ماست.

«أَنْتَ تُشِيرُ إِلَيْنَا / وَأَنْتَ تُمَدُّ إِلَيْنَا / يَدًا خَضَبَتْهَا الدَّمَاءُ / يَدًا كَتَبَتْ فِكْرَهَا بِالْدَّمَاءِ / وَأَنْتَ تُشِيرُ إِلَيْنَا وَ قَدْ ضَاعَ مِنَّا الطَّرِيقُ / وَأَنْتَ تُمَدُّ إِلَيْنَا لِتُبْعِدَ عَنَّا الْحَرِيقَ... لَتَحْيَا مَعَ اللَّهِ نَحْيَا الْحَيَاةَ / بِأَعْمَاقِنَا / قِصَّةً لِلشَّهَادَةِ / قَلَّتْ لَنَا إِثْمًا كَبِيرًا وَ فِيضُ عِبَادَةٍ» (همان، ۱۴۹).

«تو به سوی ما اشاره می‌کنی / و دستانت را که خون آن را رنگین کرده‌است به سوی ما دراز می‌کنی / دستی که فکرش را با خون نوشت / تو به سوی ما اشاره می‌کنی درحالی‌که ما راه را گم کرده‌ایم / تو دستت را به سوی ما دراز می‌کنی تا آتش را از ما دور کنی... با خدا زندگی کنیم تا زندگی در درونمان به عنوان داستان شهادت زنده شود / به ما گفتی که داستان شهادت داستان و عبادتی بزرگ است».

شاعر بار دیگر با اشاره به شهید محمدباقر صدر بیان می‌کند که شهید با داستان به‌خون‌آغشته‌اش فکر و راه جدیدی را در مقابل ما می‌گشاید. خون شهید روشن‌کننده راه آینده است و ما را از گمراهی نجات می‌دهد. شاعر برای تأکید بیشتر بر معنی از صنعت «تکرار»

بن‌مایه‌های شهادت در اشعار علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله حسین مهتدی، رسول بلاوی

استفاده و در خطاب به شهید، ضمیر «أنت» را چهار بار تکرار می‌کند تا به این موضوع اشاره کند که رهبران دینی و فکری‌ای همچون شهید محمدباقر صدر حتی پس از شهادت خود با اندیشه و افکار خود می‌توانند نقش بسزایی در بیداری و هدایت مردم ایفا کنند. همچنین واژه «الحریق» استعاره تصریحیه از حاکمان جور و استبداد حاکم بر عراق است؛ یعنی حاکمان ظالم در جهان همچون آتش هستند که با ظلم و ستم خود باعث رنج و عذاب مردم می‌شوند و شهید با شهادتش ما را از ظلم و ستم آنان نجات می‌دهد.

علامه فضل‌الله در زیارت بهشت رضا در مشهد، شهیدان را همان افرادی می‌داند که راه و شیوه تازه‌ای در اسلام به وجود آوردند:

«یا حنان الرضا هنا کان للإسلام، باسم الشَّهِیدِ ذَرَبٌ جَدِيدٌ» (همان، ۳۷۷).

«ای بهشت‌های رضا! اسلام با نام شهید راه جدیدی داشت.»

بنابراین شهیدان بهشت رضا نیز از دیدگاه علامه فضل‌الله نقش بسزایی در روشنی راه اسلام داشته‌اند؛ و به عقیده علامه تمام شهیدان، در هر زمان و هر مکان، می‌توانند روشن‌کننده راه آینده ملت‌ها باشند.

۳-۴. احیاگر روح امیدواری

علامه فضل‌الله قصیده‌ای به نام «کربلاء فی بغداد» دارد؛ این قصیده ترکیبی از شعر کلاسیک و آزاد (همان، ۱۶۱) و سرشار از احساسات ظلم‌ستیزی است. شاعر سعی دارد تا در این قصیده به بیان مفهوم شهادت و نقش آن در نبرد میان حق و باطل بپردازد. او این قصیده را در رثای پنج تن از شهدای رهبران حزب الدعوة الإسلامية^۲ عراق سروده و بیان می‌کند که خون شهیدان باعث احیای روح امیدواری در میان مردم می‌شود:

«لنا الفجر... مهما ادلهم الظلام لنا الخلد... مهما استنطال الفناء/ لنا العُدُ فی فجرِ إسلامنا سیهزمُ کُلَّ قوی

الأذعیاء» (همان، ۱۶۷).

«سپیده پیروزی از آن ماست هرچند تاریکی استبداد با گستاخی با آنان رفتار کرد. جاودانگی از آن ماست هرچند فنا و نابودی [آنان] طول کشید/ فردا از آن ماست آن زمان که صبح اسلاممان بدمد، همه مدعیان قدرت را شکست خواهد داد.»

شاعر در اینجا از اسلوب رمز در کلمات «الفجر»، «الخلد» و «الغد» استفاده می‌کند که همه

دلالت بر دمیدن صبح پیروزی دارد. همچنین «الظلام» دلالت بر استبداد و ظلم می‌کند. همچنین شاعر با مقدم کردن خبر «لنا» در هر سه جمله، از صنعت بلاغی «تخصیص» استفاده کرده‌است، و «الفجر»، «المؤد»، و «الغد» را از ظالمان سلب، و به ملت خود اختصاص داده‌است.

خون شهید روح امید و رسیدن به پیروزی را در دل‌ها زنده می‌کند؛ آینده‌ای روشن را نوید می‌دهد و همیشه زنده و جاری است. شاعر در قصیده «لَأَنَّكَ فُؤَةٌ لَأَنَّكَ نُورَةٌ» به این موضوع اشاره می‌کند:

«و تُوجِي لَجِيلِ الشَّبَابِ الْفَعِيَّ / إِرَادَتَهُ فِي الثُّلُوبِ الْحَرِيْقَةِ / لِأَنَّكَ كُنْتَ الْهُدَى وَ الْأَمَلِ / وَ كُنْتَ تَنَادِي وَ تَصْبُحُ فِينَا / وَ فِي كُلِّ إِشْرَاقٍ لِلْأَمَلِ / تَعَالَوْا إِلَيَّ / فَإِنَّ الشَّهَادَةَ عِبْرٌ وَ حُبٌّ وَ رُوحٌ إِرَادَةٌ / وَ تَارِيخٌ مُسْتَقْبَلٌ مُشْرِقٌ / يَشْقُ الْحَيَاةَ... بِسَرِّ الْقِيَادَةِ / وَ تَحْيَا الدَّمَاءَ، تُهَلِّلُ وَ تَفْرَحُ لِلْسَّائِرِينَ / وَ بَحْرِي الدَّمَاءِ / كَمَا الْمَوْجُ فِي مُلْتَقَى السَّابِحِينَ / وَ تَهْمُو الدَّمَاءَ / وَ تُوجِي وَ تَهْمِسُ شِعْرًا / وَ تَكْتُبُ فِي صَفْحَةِ الْغَدِّ فِكْرًا / وَ تَوْقِدُ فِي حَفْلَةِ النَّارِ جَمْرًا / وَ تَبْكِي الدَّمَاءَ / عَلَى الْبَاخِلِينَ الَّذِينَ اسْتَرَاخُوا / وَ عَادُوا بِمَصُونٍ رُوحِ الدَّمَاءِ» (همان، ۱۴۵-۱۴۳).

«به نسل جوان، اراده‌اش را در قلب‌های بی‌باک القا می‌کنی / زیرا تو مایه هدایت و امید بودی / بر ما فریاد می‌زدی / و در هر طلوعی فریاد امیدواری سر می‌دهی / به سوی من بیایید / شهادت، بوی خوش، و عشق، و روح اراده است / شهادت تاریخ آینده‌ای درخشان است / با راز رهبری زندگی را می‌شکافد / خون زنده است و برای رونندگان شادی می‌کند / خون جاری است / همانند امواج در برخورد با شناگران / و خون عاشق می‌شود و در زیر لب به آرامی شعر می‌خواند / و در صفحه فردا [آینده] اندیشه‌ای جدید را می‌نویسد / و در جشن آتش جرقه‌ای را روشن می‌کند / خون می‌گرید / بر بخیلان و لئیمانی که استراحت کردند / و برگشتند تا روح خون را بکنند».

شهید افکارش را برای جوانان بیان می‌کند، و با شهادتش همیشه دو عنصر هدایت و امیدواری را برای مردم به همراه دارد. شهید دیگران را نیز به شهادت دعوت می‌کند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا شهید دیگران را به سوی خود دعوت می‌کند؟ شهید از دیگران می‌خواهد که راه او را با اراده‌ای قوی ادامه دهند؛ زیرا آنها نیز با شهادت خود پایه‌های ظلم و ستم را ویران می‌کنند، و آینده درخشانی را به ارمغان می‌آورند. در ادامه شاعر چند ویژگی را برای خون شهید بیان می‌کند: ۱. خون زنده است و دیگران را به حرکت و شادی فرا می‌خواند؛ ۲. خون همچون شاعری عاشق است که شعر می‌سراید و با شعر خود

احساسات مردم را به حرکت در می‌آورد؛ ۳. خون همانند نویسنده‌ای است که با کلام و افکار خود مردم را راهنمایی می‌کند؛ ۴. خون جرقه‌ای است که جشن ظالمان را برهم می‌زند؛ ۵. خون گریه می‌کند ولی بر چه کسانی؟ بر لثیمانی که استراحت و سکوت را بر قیام ترجیح داده‌اند. فعل‌های «تُهَلَّلُ، تُفْرَحُ، تُجْرِي، تُهْفُو، تُوجِي، تُهْمِسُ، تُكْتُبُ، تَوْقِدُ، تَبْكِي» همگی مضارع و بر حال و آینده دلالت دارند؛ یعنی اثر خون همچنان ادامه دارد و همه این افعال نشانگر امید، نشاط و پویایی هستند و فاعل همه آنها کلمه «الدماء» است که استعاره مکنیه است. درواقع «الدماء» همچون انسان و موجود زنده‌ای تصور شده‌است که روح امیدواری را در جامعه تقویت می‌کند. شاعر در اینجا برای نشان دادن اهمیت و ارزش شهید و شهادت از صنعت «تکرار» نیز استفاده کرده‌است، به طوری که کلمه «الدماء» پنج بار و کلمه «الأمل» دو بار تکرار شده‌است.

علامه فضل‌الله در قصیده «کربلاء فی بغداد» در رثای پنج تن از شهدای حزب الدعوة الإسلامية عراق می‌گوید: شهید متعلق به همه مکان‌هاست، چراکه راه او راه امیدواری به آینده است. وی معتقد است راه و شیوه افتخار و شکوفایی، راه گریه و زاری نیست، چراکه ما به دنبال قله‌های عزت و شرف هستیم و جان‌فشانی شهیدان نیز برای رسیدن به این قله‌ها بوده‌است. شهادت پایان راه نیست، بلکه پلی است برای رسیدن به اهداف عالی و آسایش:

«هنا... و فی کُلِّ أرضٍ تُحْتَضُّ الشَّهَادَةُ دَرْبَ الرَّجَاءِ/ وَ تَرْتَسِمُ کُلَّ شَعَارَاتِهَا عَلَی الْأَفْقِ فِي نَوْرَةِ

الکِبْرِيَاءِ/ وَ يَهْتَفُ وَغِي الضَّحَايَا... بنا لِرَفُض... فِي الدَّمْعِ لَوْنُ الْبُكَاءِ» (همان، ۱۶۷).

«اینجا و آنجا و در هر سرزمینی شهادت، راه امید را [برای ما] می‌کشد/ و همه شعارهایش را بر افق، در قیام کبریا ترسیم می‌کند/ و بیداری قربانیان ما را صدا می‌زند تا گریه و زاری را کنار بگذاریم».

شهادت در هر مکان «اینجا»، و «آنجا» و در هر سرزمینی، احیاگر روح امیدواری است؛ گرچه شهادت شهیدان حزب الدعوة الإسلامية از دیدگاه شاعر مفهوم دیگری دارد و علامه با آوردن سه نقطه پس از «هنا» می‌خواهد به خواننده مجال بیشتری بدهد تا کمی با تعمق به شهادت آنها نگاه کند، زیرا پیام و رسالت این شهیدان، فراملی است، و حرکت آنها، حرکتی اسلامی و نویددهنده روح امیدواری است.

۴-۴. شهید، عاشورا و ماندگاری

علامه فضل‌الله برای ارتباط عاشورا با روزگار معاصر از اسلوب رمز استفاده می‌کند؛ به همین خاطر امام حسین (ع) را رمز مظلومیت، و حق و حقیقت، و یزید و شمر را رمز ظلم و باطل می‌داند. او معتقد است که در هر دوره و زمانی هر جا مظلومی وجود داشته او را مظهر حق می‌گیرد، و یزید و شمر زمان خود را همان حاکمان ظالم و ستمگر می‌داند. علامه در پایان قصیده خود با عنوان «لَأَنَّكَ فُؤَةٌ لَأَنَّكَ ثَوْرَةٌ» نظام ستمگر بعث را یزید و شمر روزگار خود معرفی می‌کند و شهید محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی را ادامه‌دهندگان راه امام حسین (ع) می‌داند که در برابر ظلم و ستم سر فرود نیاوردند:

«و قُلْتُ لَنَا هَذِهِ كَرْبَلَاءُ / تَعَالُوا إِلَى كَرْبَلَاءُ / هُنَا الْحَقُّ فِي ثَوْرَةِ الْعَاصِفَةِ / هُنَا الثَّمَرُ يَصْنَعُ مَأْسَاءَ جَبَلٍ / نَعْمَ لِلْحُسَيْنِ... نَعْمَ لِلدَّمَاءِ / جِهَادَكَ رَوْحٌ وَ فِكْرٌ رَفِيعٌ / لِيَصْنَعُ فِي كُلِّ جَبَلٍ شَهَادَةً / وَ نَحْيَا بِنَا فِي طَرِيقِ الْحُسَيْنِ / وَ تَرَوِي لَنَا كَرْبَلَاءَ الْجَدِيدَةَ / حَكَايَا الْحُسَيْنِ الْجَدِيدَةَ / وَ قِصَّةَ زَيْنَبَ عَجْرَةَ الشَّهِيدَةِ / سَتَبَقِي لَنَا / سَتَحْيَا لَنَا / وَ تَبْقَى حَيَاتُكَ فِي الدُّزْبِ قُوَّةً» (همان، ۱۵۰-۱).

«و به ما گفתי که این کربلاست/ به سوی کربلا بیاید/ اینجا حق است در انقلاب طوفان/ اینجا شمر تراژدی نسل جدیدی را می‌سازد/ حسین (ع) آری... خون آری! / جهاد تو روح و اندیشه بلندی دارد/ تا در هر نسلی شهادتی بسازد/ در راه حسین ما را زنده می‌کند/ و کربلای جدیدی را بر ایمان روایت می‌کند/ داستان جدید حسین (ع)/ و داستان زینب [آمنه بنت‌الهدی صدر] را از طریق زینب شهید روایت می‌کند/ برای ما باقی می‌ماند/ برای ما زنده می‌ماند/ و زندگی‌ات در راه جهاد و مقاومت، مقتدرانه ادامه خواهد داشت.»

شاعر نیز با شهید صدر هم عقیده است که تنها راه مبارزه با حاکم فاسد همان کاری است که امام حسین (ع) انجام داد و آن قیام علیه آنهاست. به همین خاطر می‌گوید: «حسین (ع) آری... خون آری!». در عبارت «حکایا الحسین الجديدة» منظور از «حسین» همان حسین روزگار یعنی شهید صدر است و منظور از «زینب» در عبارت «و قِصَّةَ زَيْنَبَ عَجْرَةَ الشَّهِيدَةِ» همان خواهر شهید صدر یعنی آمنه بنت‌الهدی صدر است که بعد از اینکه شهید صدر را بازداشت کردند او وظیفه بیداری مردم را بر عهده داشت، تا اینکه رژیم بعث مجبور شد او را نیز زندانی کند و به شهادت رساند. عبارت «ستبقى لنا/ ستحيا لنا» اشاره به این آیه از قرآن دارد که شهیدان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»

(بقره، ۱۵۴)، «وَلَا تُحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفَعُونَ» (آل‌عمران، ۱۶۹).

نماد، نشانگر معانی و دلالت‌های عمیق در زندگی هر فرد است که اگر در اذهان جامعه از قداست و مقبولیت ویژه‌ای برخوردار باشد، بی‌شک تأثیر عمیق‌تری در بیان افکار و ایده‌ها دارد. در این شعر نیز شخصیت امام حسین (ع)، تنها یک شخصیت تاریخی نیست، بلکه نشانگر ارزش‌ها، ایده‌ها، و دلالت‌های عمیقی است (بلاوی و آباد، ۱۳۹۲: ۹) که می‌تواند در هر زمان در جامعه ظاهر شود و بنیان ظلم و ستم را متزلزل کند.

رهبران دینی همان نور حق و حقیقت هستند که هیچ‌گاه خاموش نمی‌شوند: «تَمَرُّقُ كَلِّ حَكَابَا الظَّالِمِ / لَأَتِكَ قُوَّةٌ / لَأَتِكَ فِي قِصَّةِ الْحَقِّ جُدُودَةٌ / و يعود الحنينُ لقلبي / عميقاً كمثلي الجراح / رقيقاً كنور الصباح / و يَبْقَى الجهادُ / لنا في الطريق حياةً و زاد» (همان، ۱۵۲).

«همه داستان‌های تاریکی را پاره می‌کنی / زیرا تو قوی هستی / زیرا تو در داستان حق و حقیقت همچون شعله آتش هستی / اشتیاق به قلبم برمی‌گردد / همچون زخمی عمیق / لطیف مثل نور صبحگاهی / جهاد باقی می‌ماند / در راه و مسیر، ما زندگی و توشه‌ای داریم».

شاعر در قصیده «کربلاء فی بغداد» با نگاهی به گذشته و حادثه کربلا، بار دیگر امام حسین (ع) را رمز حق و حقیقت می‌داند؛ رهبران فکری حزب الدعوة الإسلامية را رهروان امام حسین (ع) و ظالمان زمان را همان یزیدیان روزگار خود می‌نامد:

«و عُذْنَا لِنُصْغِي... بوغي الجريح / إلى قصة الحق كيف استبَّح / إلى «التيمر» كيف يُشَقُّ الصَّرِيحُ / و تروي لنا كربلاء الجديدة / عن البعث و هو يُساقِي يَزِيدَةَ / هنا و هناك كُؤُوسُ الدَّمَاءِ / الدَّمَاءُ الدَّمَاءُ الدَّمَاءُ» (همان، ۱۶۲).

«و برگشتیم تا با بیداری زخمی شده، به داستان حقیقت گوش دهیم که چگونه مباح شد / به شمر گوش دهیم که چگونه ضریح را شکافت / و کربلای جدید برایمان روایت خواهد کرد / از بعث که یزیدیان خود را سیراب می‌کند / اینجا و آنجا جام‌های خون است / خون خون خون».

گرچه داستان حقیقت مباح گردید و یاران آن به شهادت رسیدند، و شمر تنها در عرصه تاخت و تاز می‌کند، ولی بی‌شک این شمر و یزید سرانجامی شوم در انتظارشان است، چون آنها در برابر حرکت حق ایستادگی کردند؛ بنابراین حتی اگر جنبش‌های حق و حقیقت به‌ظاهر شکست بخورند، شهادت قهرمانان آنها در واقع پیروزی ماندگاری برای آنها به ارمغان می‌آورد. به همین دلیل بار دیگر شاعر با پیوند روزگارش به حوادث عاشورا به کلمه «شمر و یزید» اشاره می‌کند که اینان همان حاکمان ظالم و فاسد روزگارند که با خون‌ریزی و ظلم و ستم

خود ادامه‌دهنده راه «یزید و شمر» هستند و تکرار کلمه‌های «الدماء» نشان‌دهنده جنایت و خون‌ریزی زیاد حاکمان بعث و تأثیرگذاری خون در قیام علیه ظالمان است.

۵-۴. نماد بیداری و وحدت

یکی از ویژگی‌های رهبر دینی و فکری شهیدشده این است که خورش بیدارکننده است. او با شهادتش مردم را از خواب غفلت بیدار می‌کند. خون شهید همیشه زنده است، به همین دلیل تازه بودن خون شهید است که همیشه مردم را به قیام وا می‌دارد که هیچ‌گاه زیر بار ظلم و ستم نروند.

علامه فضل‌الله، شهید صدر را بیدارکننده مردم از خواب غفلت می‌داند:

«و أَدْعُوا وَ أَصْرُخْ فِي كُلِّ لَيْلٍ / لِأَوْفَظِ إِخْوَتِي النَّائِمِينَ / وَ أَهْرِقْ فِي كُلِّ رُوحٍ كُؤُوسَ الصَّفَاءِ / وَ أَدْعُوا الْكُفَّالِي
عَلَى كُلِّ دَرْبٍ / تَعَالَوْا إِلَيَّ / فَإِنَّ الشَّهَادَةَ / عَيْبٌ وَ حُبٌّ وَ رُوحٌ إِرَادَةٌ» (همان، ۱۴۴).

«در هر شب دعوت می‌کنم و فریاد می‌زنم/ تا برادران خوابیده‌ام را بیدار کنم/ و در هر روح و جانی جام‌های ناب بریزم/ و تنبلان را به هر راهی دعوت کنم/ به سوی من بیایید زیرا شهادت بوی خوش، و عشق، و روح اراده است.»

«لیل» در اینجا نماد ظلم و ستم است. همچنین می‌تواند زمان مناسبی باشد که به دور از چشم حاکمان دست‌نشانده به آگاه‌سازی مردم و فعالیت‌های سیاسی پرداخته شود. شهید هر شب فریاد می‌زند و مردم را علیه ستمگران دعوت می‌کند؛ افعال «أدعو»، «أصرخ»، و «أهريق» بر روح حماسی این شهید دلالت دارد. اما در فعل «تعالوا» گفتمان خود را از جمله‌های خبری به انشایی تغییر می‌دهد. گویا می‌خواهد با زبانی دوستانه به آنها نزدیک شود، آنها را به سوی خود فراخواند، و به شهادت ترغیب کند: «فإنَّ الشَّهَادَةَ عَيْبٌ وَ حُبٌّ وَ رُوحٌ إِرَادَةٌ».

علامه فضل‌الله در رثای شهدای پنج‌گانه حزب الدعوة الإسلامية عراق، شهید را مایه وحدت مردم می‌داند:

«تَعَالُوا إِلَيْنَا وَفُوداً وَفُوداً / فَإِنَّا نُرَجِّبُ بِالْوَالِدِينَ / إِلَى الْأُمَّةِ الْوَاحِدَةِ / دِمَاءٌ دِمَاءٌ دِمَاءٌ / وَ يَبْقَى هُنَا الْوَحْشُ
يَعْوِي وَ يَعْوِي / لِيَمْتَصَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ هُنَا / دِمَاءٌ جَدِيدَةً» (همان، ۱۶۵ و ۱۶۴).

«گروه‌گروه به سوی ما آید/ ما به واردشوندگان خوشامد می‌گوییم/ پیش به سوی امت متحد/ خون خون خون/ اینجا افراد وحشی درنده باقی هستند و همچون سگ‌ها عوعو می‌کنند/ تا در هر روزی اینجا خون جدیدی را بمکنند.»

در اینجا شاعر اشاره می‌کند که شهید منادی وحدت و اتحاد میان مردم است؛ او برای بیان این وحدت و یکپارچگی به طور مستقیم (إلى الأمة الواحدة) و غیرمستقیم (تعالوا إلینا وفوداً وفوداً) به این موضوع اشاره می‌کند. شاعر با صیغه جمع (تعالوا) آنها را مورد خطاب قرار داده که خود بر وحدت و انسجام ملت دلالت دارد. همچنین از آنها می‌خواهد گروه‌گروه و منسجم پیش بروند؛ چراکه تنها با اتحاد و وحدت است که می‌توان بر ظالمان و حاکمان فاسد که همواره با ظلم و ستم خود خون مردم را می‌مکند، غلبه کرد. شاعر برای دل‌نشین کردن موسیقی شعر خود از صنعت تکرار در کلمه «دما» استفاده کرده‌است.

شاعر در ادامه این قصیده بر نقش بیدارگری شهیدان تأکید می‌کند و آنها را همان منادیان حقی می‌داند که مردم را از خواب غفلت بیدار و به سپیده‌دم پیروزی راهنمایی می‌کنند:

«و عادتُ لنا کربلاء... / و مدَّتْ إلینا... / إلى الغافلین الذین استراحوا / لأحلامهم فی لیالی الشَّتاء / إلى الخانعین، الذین استکانوا / لأطماعهم فی طیوف الرِّخاء / إلى الخاملین الذین استناموا / لهدهده الظُّلم، أتى یشاء / إلینا جمیعاً... إلى التَّائِهین» (همان، ۱۶۷-۱۶۶).

«کربلا به سوی ما بازگشت / و دستش را به سوی ما دراز کرد / به سوی افراد غافل که در حال استراحتند / و در رؤیاهای خود در شب‌های زمستانی فرو رفته‌اند / به سوی افراد ظلم‌پذیر که به خاطر طمع‌هایشان به خیال آسایش تن به ذلت دادند / به سوی افراد متردد که خود را به خواب زده‌اند / برای نوازش ظلم، هر طور که بخواهد / به سوی همه ما به سوی افراد سرگردان».

در اینجا شاعر، شش بار از حرف جر «إلى» استفاده کرده‌است تا بیان کند که شهید همه افراد جامعه را به وحدت فرامی‌خواند و به آنها کمک می‌کند. افراد غافل، افراد تنبل، افراد متردد و افراد سرگردان، و از همه می‌خواهد که از خواب غفلت بیدار شوند. «لیالی الشَّتاء» از معنای اصلی خود خارج شده‌است و کنایه از طولانی بودن روزگار ظلم و ستم بعث است. «صَهَوَاتِ الإِبَاءِ» نیز استعاره از کبریا و بزرگی است و در ادامه می‌گوید:

«و مدَّتْ إلینا یداً مِنْ جَدیدٍ تُشیرُ إلى لَمَحَاتِ السَّنَاءِ / إلى یَقْظَةِ الفَجْرِ... فی قِصَّةِ الصُّحایا... علی صَهَوَاتِ الإِبَاءِ / إلى الدِّینِ... وَ هُوَ یُثیرُ الحِیاءَ.. لکلِّ غَدٍ یتحدَّى الفَنَاءِ / إلى خُطُواتِ الهدى فی الطَّرِيقِ إلى رِخْلَةِ الحَقِّ عَبْرَ السَّمَاءِ» (همان).

«کربلا دستش را دوباره به سوی ما دراز کرد و به سوی پرتوهای نور اشاره کرد / به سوی

بیداری فجر... در داستان قربانیان... به سوی کبریا/ به سوی دین... درحالی‌که زندگی را برمی‌انگیزد... برای هر فردایی نابودی را به مبارزه می‌طلبد/ به سوی گام‌های هدایت در راه سفر حق از طریق آسمان».

فعل «مَدَّت» و به دنبال آن کلمه «الدین» دلالت بر این دارد که شهید با دراز کردن دست خود، ما را به سوی چیزی دعوت می‌کند که باعث وحدت میان ما می‌شود. ضمیر «نا» در «لینا» بیانگر این است که شاعر نه گروهی خاص، بلکه همه مردم را دعوت می‌کند. تکرار حرف جر «إلی» در اینجا بر این عوامل وحدت‌آفرین تأکید دارد و ما را به سوی نور، به سوی سپیده‌دم پیروزی، به سوی دین اسلام، به سوی راه حق که همان شهادت است دعوت می‌کند.

نتیجه‌گیری

با بررسی اشعار علامه فضل‌الله می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. از ویژگی‌های متمایز اشعار علامه فضل‌الله در مورد شهید و شهادت این است که اشعار او مربوط به رهبران دینی و فکری تأثیرگذار بر مردم است؛ این دسته شهیدان از دیدگاه علامه با افکار و اندیشه‌های خود تأثیر زیادی در جریان‌سازی و روشننگری مردم برای مبارزه با استبداد داشتند.

۲. پنج تن از شهدای حزب الدعوة الاسلامیة و شهید محمدباقر صدر به عنوان رهبر فکری این جریان بیشترین اشعار شاعر را در مورد شهید و شهادت به خود اختصاص داده‌اند.

۳. دیدگاه علامه درباره شهید برگرفته از آیات قرآن است. او معتقد است که شهیدان زنده‌اند و مایه هدایت و روشننگری جامعه هستند.

۴. علامه فضل‌الله معتقد است که عاشورا برای همیشه ماندگار است و امام حسین (ع) مظهر حق و حقیقت و یزید مظهر ظلم و فساد و باطل است. در هر دوره و زمانی، هر جا مظلومی وجود داشته او را مظهر حق می‌گیرد و یزید و شمر زمان خود را همان حاکمان ظالم و ستمگر می‌داند.

۵. شهیدان روح امیدواری و عشق به وطن را در مردم زنده می‌کنند.

۶. شهیدان مایه وحدت میان ملت می‌شوند و با خون خود آنها را از خواب غفلت بیدار

می‌کنند.

۷. شهیدان متعلق به کشور خاصی نیستند، بلکه متعلق به همه زمان‌ها و مکان‌ها هستند و

به همین خاطر شاعر به شهیدان کشورهای دیگر از جمله ایران نیز اشاره کرده‌است.

۸. خون شهید مردم را به جهاد و قیام علیه ظلم و ستم تشویق می‌کند.

پی‌نوشت

۱. شهید محمدباقر صدر از یاران امام خمینی (ره) بود که: «در شب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که شب پیروزی شکوهمند مردم مسلمان و انقلابی ایران به رهبری امام خمینی (ره) بر طاغوت امریکایی بود، در مسجد جواهری نجف اشرف به منبر رفت و برای مردم مسلمان عراق از انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی در احیای اندیشه‌های دینی و اصلاح امت اسلام سخن گفت و تکلیف مردم عراق را در برابر حکومت ضددینی بعثی، معین کرد: قیام...! شهید صدر روز ۱۶ رجب ۱۳۹۹ق. را روز اعتراض و اظهار انزجار از اعمال ظالمانه رژیم اعلام کرد. مردم به اطاعت از رهبر و مرجع تقلید خود دست از کار کشیدند، بازارها را تعطیل کردند و برای بیعت با رهبرشان به خانه او شتافتند... همان شب آیت‌الله صدر دستگیر و روانه بغداد شد. در سازمان امنیت بغداد، از او خواستند که دست از پشتیبانی انقلاب اسلامی بردارد و مردم عراق را تحریک نکند. اما او شجاعانه جواب داد: من یک مسلمانم و در برابر سرنوشت همه مسلمانان جهان - نه تنها عراق و ایران - مسئولم. باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم و وظیفه شرعی منحصر به ایران و عراق نیست. حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن هم یک وظیفه شرعی است! همان روز بنت‌الهدی، در حرم امام علی (ع) سخنرانی کرد و از مردم خواست که در اعتراض به دستگیری آیت‌الله صدر به خیابان‌ها بریزند. مردم به خیابان‌ها ریختند و رژیم برای ایجاد آرامش و جلوگیری از گسترش اعتراض، مجبور شد آیت‌الله صدر را آزاد کند؛ ولی بار دیگر در روز شنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۰ق. (۱۶ فروردین ۱۳۵۹)، «ابوسعید» رئیس سازمان امنیت نجف، با عده‌ای از مزدوران امنیتی، آیت‌الله صدر را دستگیر و به سرعت از نجف به بغداد منتقل کرد. فردای آن روز، حکومت بغداد بنت‌الهدی را دستگیر کرد؛ چون از سخنرانی دوباره و دعوت مردم به اعتراض و تظاهرات و رسوایی خود بیم داشت. برزان ابراهیم، برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت‌الله صدر خواست که فقط چند کلمه بر ضد امام خمینی و انقلاب اسلامی بنویسد تا آزاد شود؛ وگرنه کشته خواهد شد! آیت‌الله صدر این خواسته را رد کرد و گفت: من آماده شهادتم. هرگز خواسته‌های غیرانسانی و ضددینی شما را قبول نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کردم» (مختصری از زندگی‌نامه و شهادت آیت‌الله سید محمدباقر صدر).

۲. پنج شهید از اعضای حزب الدعوة الإسلامية عراق که به دست رژیم بعث در سال ۱۳۹۴ق/ ۱۹۷۴م. به شهادت رسیدند و عبارتند از: شیخ عارف بصری؛ علامه سید عمادالدین طباطبایی؛ علامه سید عزالدین قبانجی؛ سید حسین جلوخان؛ و سید نوری طعمه. حزب الدعوة الإسلامية یک حزب بزرگ به رهبری روحانیان تحصیل‌کرده جوان بود که از پیشروترین مجتهد عراق یعنی محمدباقر صدر الهام می‌گرفتند (خرمشاد، ۱۳۹۰: ۱۷۵). این حزب در سال ۱۹۵۷ میلادی به وسیله شاگردان آیت‌الله صدر تأسیس شد. ایدئولوژی حزب الدعوة از افکار شهید صدر

متأثر بود. پایه اصلی تفکر این حزب ایجاد دگرگونی فرهنگی در جامعه بر محور تربیت مبتنی بر بازگشت به اسلام اصیل به دور از هر گونه اجبار و زور بود. بیانیه عملیاتی حزب الدعوة در شکل و سازماندهی مردم عمدتاً برگرفته از کتاب «اسلوب الدعوة فی القرآن الکریم» است که به وسیله سید محمدحسین فضل‌الله نوشته شده و راه‌های ایجاد تحول فکری و گسترش آگاهی دینی مؤثر و تربیت افرادی را بازگو می‌کند که مسئولیت تغییر را به عهده می‌گیرند (رویوران، ۱۳۸۸).

منابع

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه مرعشی.
۲. ابن منظور، (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
۳. ابوصالح، اسماعیل خلیل، (۲۰۰۳ م)، السيد محمدحسین فضل‌الله شاعراً، طبع الاولي، بیروت، دار الملاك.
۴. امینی، محمدهادی، (۱۹۶۴ م)، معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف خلال ألف عام، طبع الاولي.
۵. خاقانی، علی (۱۹۵۶ م)، شعراء الغری، النجف: المطبعة الحیدریة.
۶. سرور، علی حسن (۲۰۰۴ م)، العلامة فضل‌الله و تحدی الممنوع، طبع الاولي، بیروت: دار الملاك.
۷. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: رسولي محلاتی و سید فضل‌الله یزدی طباطبایی، بیروت: دار المعرفة.
۸. غسان بن جدو، (۲۰۰۱ م)، خطابات الإسلامیین و المستقبل، ط ۳، بیروت: دار الملاك.
۹. فضل‌الله، محمدحسین، (۲۰۰۱ م)، قصائد للإسلام و الحیاة، ط ۲، بیروت: دار الملاك.
۱۰. (۲۰۰۶ م)، وطن ممنوع من الصرف، بیروت: دار الملاك.
۱۱. (۱۹۹۰ م)، علی شاطئ الوجدان، ط ۱، لندن: دار الریس.
۱۲. (۲۰۰۶ م)، مطارحات فی الشعر و الفن و الأدب، ط ۱، بیروت: دار الملاك.
۱۳. مهتدی، علی رفعت (۲۰۰۴ م)، الاتجاه الروحی فی شعر السيد محمدحسین فضل‌الله، ط ۱، بیروت: دار الملاك.

ب) مقالات

۱. بلاوی، رسول؛ مرضیه آباد (۱۳۹۲)، «استدعاء شخصية الإمام الحسين (ع) في شعر يحيى السماوي»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۷، صص ۱۶-۱.
۲. خرمشاد، محمداقبر و همکاران (۱۳۹۰)، نقش «حزب الدعوة الإسلامية در گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۲۰۰-۱۶۷.

پ) منابع اینترنتی

۱. رویوران، حسین، (۱۳۸۸/۲/۵)، «حزب الدعوة الاسلامیة عراق»،
۲. www.eci-ir.com/?Lang=fa&Page=30&ItemId=20&Action=BodyView
۳. فضل‌الله، محمدحسین، (۱۹۸۵/۴/۲۳)، «شهداء المقاومة... طلائع التحرير و الانتصار»،
۴. www.arabic.bayynat.org.lb/ArticlePage.aspx?id=6893
۵. «مختصری از زندگی‌نامه و شهادت آیت‌الله سید محمداقبر صدر»
۶. www.aviny.com/Bozorgan/Sadr/Biografi.aspx
۷. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، «شهادت آیت‌الله سید محمداقبر صدر و خواهرش آمنه بنت‌الهدی
۸. صدر»، www.irdc.ir/fa/calendar/15/default.aspx

انعکاس أغراض الشہید و الشہادة فی شعر العلامة محمد حسین فضل الله (بالتکزیز علی العلماء وقادة الدین والفکر)

حسین مهتدی^۱، رسول بلاوی^۲

۱. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها في جامعة خليج فارس - بوشهر
۲. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها في جامعة خليج فارس - بوشهر

mohtadi@ut.ac.ir

الملخص

الشهيد والشهادة من الموضوعات التي تحتل مكانة سامية في الفكر الإسلامي، و تطرق الكثير من الأدباء والشعراء في نتاجهم إلى هذا الموضوع. ومن أبرز الشعراء المعاصرين ومراجع الشيعة العظام الذين عالجوا هذا الموضوع في أشعارهم هو العلامة محمد حسين فضل الله. والباحثان في هذه الدراسة بصدد الإجابة على السؤالين التاليين: من هم الشهداء الذين شغلوا حيزا واسعا في نتاج الشاعر وما هي مواصفاتهم التي جلبت انتباه الشاعر؟ وما يميز شعر العلامة فضل الله حول الشهيد والشهادة عن سائر الشعراء، ويدل على مدى أهمية هذه الدراسة، اهتمام الشاعر بشهداء كانوا قادة للدين والفكر في عصرهم، منهم الشهيد محمد باقر صدر وأخته بنت الهدى صدر و بعض قادة حزب الدعوة الإسلامية حيث كان هؤلاء الشهداء دورا بارزا في حث الشعب وتوويرهم ضد الظلم والاستعمار بأفكارهم النيرة. بما أن الشاعر قضى شظرا من عمره الشريف في العراق فمن الطبيعي أن يكون معظم شعره حول الشهداء الذين كانوا علماء و قادة للدين والفكر في العراق، كما يذكر أحيانا شهداء لبنان و فلسطين و إيران؛ والشاعر في نظرته إلى الشهيد يستوحي أفكاره من القرآن الكريم وثقافة عاشوراء. وإتنا في هذه الدراسة بالتكيز على ديوان "قصائد للإسلام والحياة" و حسب المنهج الوصفي - التحليلي، سوف نعالج هذا الجانب من شعر العلامة فضل الله بالنقد والتحليل.